

همراه بینه فاعت  
در کشت و قهر با کشت هم  
سیاه بر آسمان جو ما هم  
چند کلمه در کتب صحیفه هم  
دریم امید عفو هر جنبه  
مستغرق کلمه کما هم  
چند نذر عیب  
بر در که صحت خضر را هم  
چند روز با کشت  
محمد سر اولی کشت  
تا شدم با کشت  
کشت جان  
در دو صفتش نام کشتیم  
تا که جام حبه نماند  
پرز حسن او بر دل دیدم  
عاشق است بر با کشتیم  
بهر طهارت کسب با کشت  
مطرف فاض کبر با کشتیم  
عاشق در دهنه اول ابالی دار  
در ره عشق مبتلا کشتیم

بگو از کشتی

همچو ز عیال هم باقی  
تا ز دار خورشید کشتیم  
دست ان نهم در کشتی ظاهر کنیم  
خود که سبجه بلبا بست و زنا کیم  
راز عشقش بر پس کیم است نهان  
با دقت و چنگ عیان بر سر با کیم  
صفت از نری صاف چشم بودی  
بچرخش نبرد بر ز سر و دست کیم  
جمع صفت با بر در با کیم  
در هر چه بر از کیم شوار کیم  
تا کیم ناره در کشته کیم ضرر را  
قاش اما کیم نام و جلال کیم  
خود بکند در کیم در کیم  
ز منند در در کیم کیم  
بگویش از نذر خضر از کیم  
خبر کیم در کیم  
باز کیم در کیم  
بار کیم در کیم  
فرد کیم در کیم  
نزد کیم در کیم

Copyright © King Saud University